

پابلو رودا و رئیس

با نامیدن او به «سوسک» تأخیر در به اجرا درآوردن اعدام وی را موجب رنج بیش تر مردم شیلی و ویتنام می خوانند و می گوید:

اکنون رسمیت دادگاه را اعلام می کنم.

پرسش در دستور این است: بودن یا نبودن

اگر جنایتکار را زنده بگذاریم

مردم همچنان رنج خواهند دید

و این جنایتکار که رئیس جمهور هم هست

همچنان مس شیلی را از گمرگ خانه هایش خواهد ربود

و در ویتنام، شکم بیگناهان را خواهد درید

یک هفته هم صبر نباید کرد

و نه حتی یک روز دیگر

چرا که برای ستم های غیرانسانی این سوسک است. (۷)

نرودا در شعر «سرود یقیر» از نیکسون به «شغالی پرت و بی خیال» یاد کرده و می نویسد:

مردمی که نیکسون نادان

بی آن که حتی نامشان را بدانند

فرمان قتلشان را صادر کرد

آن شغال پرت و بی خیال

وی در شعری «چهره یک مرد» را به «موشی» تشبیه می کند که درصدد جوییدن شیلی است و مردم شیلی را کسانی می خواند که بر آند به او «درس شرف» بدهند.

این موش می خواهد شیلی را بجود

و نمی داند که شیلیایی های کوچک

می خواهند به او درس شرف دهند (۸)

نرودا در شعر «یک درس» رسوا کردن جنایتکارانی چون رئیس جمهور امریکا را وظیفه شاعران می داند و می نویسد:

بازگشت به نیکسون مرا شاد می کند:

چرا که داوری جنایات بی امانی

که به فرمان یک جانی بدنام رخ می دهد

وظیفه شاعری سرگردان است. (۹)

او در شعر «با یک شعر روشن» شعرهای خود را به گلوله هایی تشبیه می کند که پیکر رئیس جمهور امریکا

با این وجود، شرایط میهن من، اعمال وحشتناکی که آرامش سیاسی ما را تیره گردانده، روح مرا می آزرند. قاتلان ژنرال اشنایدر در شرایطی تحت نظر در خانه شخصی و یا استراحت در هتل های باشکوه خارجی به سر می برند. محکومیت برخی خیانت پیشگان به کمتر از آنچه در کشورم به عنوان جریمه دزدیدن یک مرغ می شود، کاهش داده شده است. (۲)

نرودا در پایان مقدمه خود می نویسد: «از هیچ کس پوزش نمی طلبم. سرودهای من در برابر دشمنان مردم، به مانند سنگ های آراشگانی ها سخت و تا زنده است. این عملیات ممکن است عملیات کوتاه مدتی باشد، اما من آن را به انجام می رسانم و به کهن ترین سلاح، شعر، توسل می جویم. سرود و دفترچه توسط کلاسیک ها و رمانتیک ها به یک منظور به کار برده شده و هدف آن نابودی دشمن بوده است. حالا به جای خود! می خواهم شلیک کنم!» (۳)

نرودا در اولین شعر این مجموعه، به نام «با استمداد از والتمن (۴) می آغازیم» سعادت کره زمین و ساکنان آن را در گرو مردن رئیس جمهور وقت امریکا می داند و می نویسد:

هیچ کس بر زمین روی سعادت نخواهد دید

هیچ کس بر این سیاره کاری در خور نمی تواند کرد

تا هنگامی که آن دماغ همچنان در واشنگتن نفس می کشد. (۵)

وی در این شعر امریکا را به رغم پیشرفت تکنولوژی، آموزگار مشق آدمکشی و کاخ سفید را مدرسه تروریست ها می خواند و می گوید:

بی هیچ تأسفی به اجرا درمی آورم

حکم تیرباران جنایتکاری در محاصره

که به رغم سفرهایش به ماه

بر روی زمین، چندان آدم کشته است

که کاغذ از هم می درد و قلم در هم می شکند

تا نام تبهکاری را رقم زند

که از کاخ سفید، مشق آدمکشی می کند. (۶)

نرودا در شعر «با مضامین دیگر بدرود می گویم»، نیکسون را در دادگاه اشعارش محکوم به مرگ می کند و

«پابلونرودا» شاعر انقلابی شیلیایی و همزم «سالوادرنه» از جمله شاعرانی است که در مجموعه اشعار خود تصویری از رئیس جمهور وقت امریکا و شیوه های سرنگونی یک انقلاب مردمی توسط عوامل سازمان سیا ارائه می دهد. امروز نیز جهانیان شاهد همان شیوه ها و شعارها از سوی رئیس جمهوری و دولت امریکا با سایر ملت ها و دولت ها است.

استکبار، تغذیه و پشتیبانی روزنامه های وابسته، دخالت در امور داخلی سایر کشورها به بهانه صلح، سازمان دهی اعتصاب ها، سازمان اپوزیسیون های اقشار مرفه... از ویژگی های امریکا و دولت این کشور در نابودی انقلاب هاست که پابلونرودا در آخرین مجموعه اشعار خود به نام «انگیزه نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی» به تصویر کشیده است.

این مجموعه، که در سال ۱۹۷۳ و درست هشت ماه پیش از کودتای امریکایی ژنرال پینوشه و کشته شدن آندره به رشته تحریر درآمده است، هفت سال بعد در سال ۱۹۸۰ به چاپ رسید.

نرودا، که تنها ۱۲ روز پس از کودتا، زنده ماند و در ۲۳، ۱۹۷۳ چشم از جهان فرو بست، دغدغه های شعرای انقلابی امروز را در برخورد با امریکا به منصه ظهور می رساند.

نرودا در مقدمه این کتاب می نویسد: «در این کتاب، احضار، محاکمه و احتمالاً نابودی مردی با سلاح سنگین شعر انجام می گیرد؛ کاری که برای نخستین بار به عمل آمد.»

نرودا در این مقدمه با نفی حربه همیشگی امریکا در وارد کردن تهمت تروریست و حمایت (۱) از تروریست توسط انقلابیون و دولت های انقلابی، دوگانگی برخورد امریکا با مقوله تروریست را در حمایت امریکا از قاتلان ژنرال اشنایدر به تصویر می کشد و می نویسد: «من مخالف سرسخت تروریسم هستم، نه تنها به علت آن که تقریباً همیشه وسیله اجرای ظلم و جبن غیر مسؤولاته ای بوده است، بلکه بدین علت که نتیجه آن همچون خنجرهای یزآن تندگذر، مردمی را که در وضعیت اصلی دست نداشته اند زخم می زند.



مهر آمریکا

حسن ابراهیمزاده

را نشانه رفته و او را از پای در خواهند آورد... داریم نیکسون دیوانه سوراخ سوراخ می‌کنیم با یک شعر روشن و قلبی راست بر هدف نشسته چنین است که من می‌گویم نیکسون باید از پا در اوفتد با رگباری از گلوله‌های خشن و دادخواه: خشایم را پر از شعرهای ثلاثی کرده‌ام. (۱۰)

نرودا در شعر «صلح، اما نه صلح او»، «صلح» خواهی آمریکا را توأم با آباد کردن گورستان‌ها و حرابه‌ای تبلیغاتی برای کشتار انسان‌های بی‌گناه می‌خواند و صلح‌خواهی واقعی را از آن ملت‌هایی چون ویتنام می‌شمارد.

صلح برای ویتنام! ببین چه کرده‌ای در آرامش گورستانی پر از مردگانی که سوزاندی! با خطی از آتش که تا ابد می‌سوزد آنان که به خاکشان سپردی، سرعت را می‌گیرند نیکسون، دستان توانای انقلاب تو را خواهد یافت، در هر کجای زمین که باشی و تن پلیدت را در هم خواهد کوفت: و ویتنام است که تو را به شکست می‌کشاند. نیکسون، من صلح پیروزمندانتهات را باور ندارم! تجاوز تو دفع شد و به شکست انجامید. این صلح تو نبود، نیکسون خون‌آلود! نیکسون، رئیس جمهور خون‌آشام این مدال پشیمانی از آن توست این صلح ملت‌های معصومی است که تو به آتش و رنج‌شان درافکندی این صلح ویتنام است که سفیران و اسناد تو واژگونه‌اش کرده‌اند صلح کشوری ست خون داده که جهان را از برگ غاری پوشانده که از خون ریخته‌اش رسته است. (۱۱)

وی در شعری به نام «روزنامه طوطی‌ها» به نقش مخرب روزنامه «آل مرکوریو» که سیاستی جز بر زبان راندن سخنان بیگانگان و ایجاد تفرقه نداشت، می‌پردازد.

و سرکرده نیویورکی
مدیر پیسی کولا

از همان‌جا برای نوچه‌های قدیمی‌اش دستور می‌فرستد روزنامه «آل مرکوریو» هر روز اظهار لحنیه می‌کند و نیکسون سر مقاله‌هایش را تقریر می‌کند. این هم شد روزنامه شیلیایی، مرده شور! آه چه آیه‌های یاسی، چه هرزه درآیی‌هایی که این طوطیان استاد ازل رقم می‌زنند! (۱۲)

نرودا در شعر «پیروزی» اشاره به خائنانی می‌کند که با گرفتن پول از سرمایه‌داران و شرکت‌های مس وابسته به آمریکا، زمینه اعتصاب کارگران را فراهم می‌ساختند. و معدن‌داران را به اعتصاب فرا خواندند و پول از نیکسون گرفتند: سی سکه نقره برای خائنان (۱۳)

نرودا در شعر «اینجا می‌مانم» به سرمایه‌داران، خودباختگان فرهنگی آمریکا و کسانی اشاره می‌کند که با شعار نبودن آزادی در شیلی، مجامع بین‌المللی و حقوق بشر را به دخالت در شیلی فرا می‌خوانند می‌نویسد:

برای ما همه جایی هست در دیار من
بگذار آنان که خود را زندانی می‌پندارند
گورشان را گم کنند با ترانه‌هاشان
دولتمندان همیشه بیگانه بوده‌اند
بگذار عمه‌هاشان را بردارند و بروند میامی!
من اینجا می‌مانم تا با کارگران هم‌آوا شوم
در این تاریخ و جغرافیای نو (۱۴)

نرودا عامل اصلی سقوط انقلاب شیلی را، آن دسته از مردمی می‌داند که دعوت به تسلیم شدن در برابر آمریکا می‌کنند وی در شعر «خواندن، رکود در کنار دریا» می‌گوید:

شیلی را همان مردمانی می‌گویند
که ما را به سوی تسلیم می‌رانند
و برما چنگ و دندان می‌یازند. (۱۵)

«نرودا» حامی اصلی معترضان را نیکسون و برپادارندگان «حزب ملی» را سرمایه‌داران و رانت‌خوارانی می‌داند که در صدد به حاشیه راندن و

نابودی عامه مردم برآمده‌اند. وی در شعر «آی. تی. تی» می‌گوید:

و اعتصاب کارفرمایان را راه انداختند
در حالی که حامی اصلی‌شان نیکسون بود
این شکم‌سیران می‌خواهند
هر کس که توی «حزب ملی» نیست
از گرسنگی بمیرد. (۱۶)

پابلو نرودا در شعری به نام «هشدار ابدی»، ملت خود را به وحدت و ائتلاف دعوت می‌کند و درباره «قشر مرفه و صاحبان سرمایه» که سیاست را با پول و قدرت را با شایعه‌پراکنی و غوغاسالاری مطبوعاتی گره زده بودند، می‌گوید:

ملت! در این تند باد توفانی
تو باید مشتت را گره کنی و بدی را واپس برانی
هر شب، گفتارن زوزه می‌کشند
و انقلاب شیلی را می‌آلایند
هر روز دشمن می‌کوشد
تا آتش انقلابی را خاموش کند
و نیروهای متحد پیروزی انقلابی را
تجزیه کند
و این دشمنان تلخ‌کام نگویند
برآنند که تاج افتخار پیروزی‌های ما را به خاک بسپارند. (۱۷)

بذر تفرقه و تنش روزنامه‌های وابسته، صاحبان سرمایه، منادیان شعار آزادی و سازمان‌دهندگان اعتصاب‌ها که با پشتوانه مالی سازمان سیا به بار نشسته بود، موجب شد که هنگام حمله کودتایان به مقر آلنده، آلنده تنها به استقبال مرگ رود و ۱۲ روز بعد نیز سراینده مجموعه شعر، «انگیزه نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی» بدرد حیات کند تا نیکسون مدافع صلح و آزادی! در آسایش با بمب‌های ناپالم درصدد برقراری دموکراسی در جهان برآید.

و امروز جای آلنده‌ها، در عصر توحش خالی است که چگونه نیکسون‌ها با کمک صاحبان سرمایه، و انحصار رسانه‌های جهانی، و با شعار دموکراسی روشنفکران ساده‌لوح سایر کشورها را فریب داده و کشورهای آزاد و مستقل را با هزاران برچسب از صحنه بین‌المللی خارج می‌کند.

پی‌نوشت

۱. انگیزه نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی، ترجمه فرامرز سلیمانی، احمد کریمی حکاک، ص ۱۷
۲. همان، ص ۱۸
۳. همان، ص ۱۹
۴. والتر وینتن شاعر آزاده قرن نوزدهم آمریکا
۵. همان، ص ۲۱
۶. همان، ص ۲۲
۷. ص ۱۷. ص ۲۳ / ص ۵۱ / ص ۴۸ / ص ۴۹ / ص ۵۲ - ۵۳ / ص ۷۷ / ص ۳۲ / ص ۴۰ / ص ۴۶ / ص ۷۹ / ص ۸۴

